

## دیدگاهی درباره ترجمه

مینو مشیری

● به باور من ترجمه هنر نیست، فن است، صنعت است، علم است و تخصص. اما صد البته که ترجمه فنی است که نیاز به فرهنگ و سواد و شعور دارد، صنعتی است که ذوق و قریحه و عشق طلب می‌کند و علم و تخصصی است که لازمه‌اش انضباط و درک کامل لحن و سبک نوشتار اصلی می‌باشد. با این همه چرا باور دارم که ترجمه هنر نیست؟ زیرا برگردان خلاقیت دیگری، هر قدر هم که استادانه انجام گیرد. بازآفرینی است و نه آفرینش. بازآفرینی هم هنر نیست، امانت‌داری است به‌علاوه تمام صفات برشمرده در ابتدای جواب. به امانت‌داری در ترجمه اعتقاد دارم بی‌آنکه مقصودم ترجمه و اژه‌به‌واژه باشد که دیده‌ایم و می‌بینیم که گاه — به‌ویژه در دیالوگ — تا چه حد مضحک از کار در می‌آید. در اینجاست که تسلط به زبان مبدأ و مقصد مسلماً کافی نیست و آشنایی با فرهنگ و ادبیات هر دو زبان ضروری است.

یکی از بهترین مترجمان معاصر آقای دکتر عزت‌الله فولادوند هستند. در گفتگویی بس خواندنی و آموزنده که در فصلنامه مترجم چاپ شده درباره این مقوله چنین می‌نویسند:

”ترجمه هم علم است و هم هنر، هم انضباط و از خود صرف‌نظر کردن می‌خواهد و هم آفرینندگی و چیزی عمیقاً شخصی و فردی ... بودلر بیست سال از جان و دل مایه گذاشت تا آثار ادگار آلن پورا را ترجمه کند. ترجمه‌ای که فیتس جرالد از خیام کرده، تا زبان انگلیسی هست پابرجا خواهد بود. میرزا حبیب ترجمه‌ای از حاجی بابا کرده که هنوز بعضی می‌گویند اصل این است و کار جیمز موریه ترجمه نوشته میرزا حبیب است.“ اما به نظر من ترجمه درخشان میرزا حبیب از حاجی بابا نتیجه همان مهارت، تسلط قلم و ذوقی است که به آنها اشاره شد. نتیجه استادی‌اش در بازآفرینی: هنر از آن جیمز موریه باقی می‌ماند.

هنگامی که گابریل گارسیا مارکز که انگلیسی را خیلی خوب می‌داند ترجمه انگلیسی رمان صد سال تنهایی‌اش را در برگردان گرگوری راباسا خواند، احسنت و آفرین گفت. اما نشنیدم که گرگوری راباسا را کسی هنرمند خوانده باشد. او مترجمی فوق‌العاده، استاد و زبردست است. هنر و خلاقیت از آن مارکز است و می‌ماند. فیتس جرالد شاعر بود. ترجمه‌اش از خیام همان‌گونه که دکتر فولادوند می‌فرمایند ماندگار است. بله، حتماً. اما ترجمه‌اش امین نیست. او با الهام گرفتن از خیام اشعاری سروده که متأثر از تیم‌های خیام است. خیام، خیام است و فیتس جرالد، فیتس جرالد و هر دو هنرمند. به فرض محال اگر کسی شناختی از خیام نداشته باشد و بخواهد ترجمه فیتس جرالد را مجدداً به فارسی بگرداند، آیا نتیجه اشعار واقعی خیام از کار در می‌آید؟! پس شعر ترجمه‌پذیر نیست. این خلاقیت شاعر و نویسنده است که هنر است و نه برگردان ولو استادانه‌ای آن. به نویسنده و شاعر خلاق ارج بگذاریم و از ترجمه هنر هشتم نسازیم. □